

نگاهی به فیلم «امروز» ساخته رضا میرکیمی

معمای مخل و تقلید طوطی وار و فیلمسازی که از خود جاماند



پهزاد عشقی

در آموزشگاه سینمایی «پروین»، دوست بازیگرم انوش نصر درباره بازیگری سخن می گفت و در بخشی از صحبت‌هایش گفت: بازیگری هنر نیست و تقلید است و بازیگران زندگی دیگران را تقلید خلاقانه با تقلید طوطی وار متفاوت است و بازیگر خلاق دیده‌هایش را درونی می کند و به قواره شخصی خود در می آورد. اینها را گفته تا به پرویز پرستویی و فیلم امروز برسم. به نظر می رسد پارهای از بزرگان بازیگری ما، نه اشخاص واقعی که بیشتر خود را تقلید می کنند و به تکرار می‌رسانند. پرستویی در فیلم بیست ساخته عبدالرضا کاهانی مرد کم‌سخنی بود که مدیریت یک رستوران را برعهده داشت. عبوس بود و به زردستانش سخت می گرفت و هرگز به کسی لبخند نمی زد. اما در فراسوی ظاهر منفی اش، به نظر می‌رسید آدم بددلی نیست و فقط از تنهایی رنج می برد و دچار افسردگی شده است. پرستویی تقریبا همین نقش را، با شمایللی اندکی پیرتر و با پایای معیوب و چهره‌ای سنتنی، در فیلم امروز ساخته رضا میرکیمی تکرار می کند. باز هم تلخ و کم‌حرف است و حوصله صحبت با کسی را ندارد و سوال‌های دیگران را معمولاً بی پاسخ می گذارد. در فیلم بیست ما پرستویی را بیشتر از زاویه همکارانش می دیدیم. همه از او می‌هراسیدند و از هم‌صحبتی با او پرهیز می کردند و جز به ضرورت با او وارد مکالمه نمی‌شدند. اما در امروز همه می خواهند با مردی سر صحبت را باز کنند که آشکارا بی اعتیایی‌های اهانت‌آمیزی با دیگران دارد. آیا مردم خودآزاری دارند و از اهانت شدن لذت می‌گیرند؟ پرستویی زن ژانویی را به بیمارستان رسانده است و کارکنان بیمارستان به ضرورت شغلی خود باید از او بپرسند کیستی و چه نسبتی با ژانوداری؟ اما آیا طبیعی است که نگهبان بیمارستان و مسافر تاقسی و دیگران مدام بخواهند با مرد تلخ گوستنی وارد مکالمه شوند که تمایلی به صحبت کردن ندارد؟ البته اینها می‌تواند نوعی مته به خشخاش گذاشتن و خرده‌گیری‌های بی‌اهمیت تلقی شود. اما مشکل اینجاست که فیلمساز می‌خواهد بر همین اساس داستانش را بنا کند و برمنای کم‌سخنی پرستویی و نوعی سوءفاهم کلامی فیلمش را به پیش ببرد. به راستی چرا پرستویی حرف نمی‌زند؟ چرا نمی‌گوید نسبتی با زن ندارد و به‌خاطر انسان دوستی زن را به بیمارستان رسانده است؟ زن از مردی آبستن شده که شوهر موقت او بوده است، مردی خشن که زن را تنگ می‌زده و حتی باعث مرگش شده است. کارکنان بیمارستان پرستویی را با آن مرد خشن اشتباه می‌گیرند و حتی کتکش می‌زنند. اما باز هم پرستویی حرف نمی‌زند. آیا آن‌نیز بیماری خودآزاری دارد؟ ظاهرا اگر پرستویی حرف می‌زد دیگر داستانی شکل نمی‌گرفت و فیلم امروز بدید نمی‌آمد. آقای بدیعی در فیلم طعم گیلاس (عباس کیارستمی-۱۳۷۶) می‌خواهد خود را بکشد و به دنبال کسی است که پس از مرگ خاک بر گوش بریزد. بدیعی حرف مرد می‌زند تا دیگران را به این کار مجاب کند. اما هرگز نمی‌گوید از چه پنج می‌برد و چرا می‌خواهد خود را بکشد. مهم هم نیست که ما بدانیم و مهم‌تر این است که فیلمساز می‌خواهد این پرسش را مطرح کند که: ما ولادت خود را انتخاب نمی‌کنیم، اما آیا مجاز نیستیم که وقتی به یز نیست رسیدیم مرگ را برگزینیم؟ اما در فیلم امروز ما لازم داریم که درباره پرستویی بدانیم و او به عمد سکوت می‌کند. به نظر می‌رسد فیلمساز معمایی طرح کرده و نقطه‌هایی را کنار هم چیده است تا از مخاطب بپرسد که این مرد کیست؟ مخاطب تیزهوش هم باید کسی باشد که بتواند پاسخ این معما را بگوید. اما من می‌گویم که سینما جری طرح معما نیست و ابهام هنرمندانه‌با این نوع معماسازی و تعقیدهای خامدستانه فرق می‌کند. بازیگر نقش صدیقه نیست‌سخه بدلی نگار جواهریان است؛ با همان مصومیت و سادگی و شادی کودکانه. شاعری گفته بود اولین کسی که معشوقش را به گل شاگویی کرد شاعر بود و دومین کس مقلدی بی‌مایه. نگار جواهریان تقریبا در تمام فیلم‌هایش مدام خود را مکرر می‌کند و از خود بازیگری کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی ساخته است. حالا صدیقه امروز دارد همان بازیگر قابل پیش‌بینی می‌کند. این همان تقلید طوطی وار است که به قول انوش نصر با تقلید خلاقانه متفاوت است. صدیقه برخلاف پرستویی مدام حرف می‌زند. اما با حرف‌هایش به جای آنکه خود را بروز دهد، مدام زندگی اش را پنهان می‌کند. پرستویی هم مدام سکوت می‌کند و به جای آنکه در کنار صدیقه تضادی هنرمندانه بیافریند، بیشتر ابهام ایجاد می‌کند و خستگی به وجود می‌آورد. آیا این هنر است؟ شاعر می‌گوید سکوت‌سروش را ناگفتنی‌هاست. اما پارهای از سکوت‌ها فقط ابهام می‌آفریند و روی حقایق پرده می‌کند. در واقع ما به تماشای امروز آمده‌ایم تا درباره آدم‌هایی که هیچ چیز از آنها نمی‌دانیم و نخواهیم دانست، فیلم ببینیم. آیا این نوعی خودآزاری نیست؟ و آیا آزار دادن مخاطب هنر است؟ رضا میرکیمی با فیلم کودک و سرباز در میان فیلمسازان فرهنگی ایران پذیرفته شد و با فیلم به همین سادگی به یکی از فیلمسازان خلاق سینمای ایران بدل شد. اما با فیلم امروز از خود جا ماند و نتوانست فیلمی به قواره استعداد واقعی اش عرضه کند. دربخ.

شهریه

انتشار پژوهش هنر با موضوع «برچم ایران در گذر تاریخ»

فصلنامه‌ای درباره‌درفش



گروه ادب و هنر: نماد همه کشورها برچم است و هر کشوری برای خودش برچمی دارد، اما این برچم برای خودش تاریخچه‌و نشانه‌شناسی منحصر به‌فردی دارد. این است که می‌توان از زوایای گوناگون به آن پرداخت؛ کاری که فصلنامه «پژوهش هنر» کرده و برچم ایران را دستمایه تحقیقش قرار داده و چندین مقاله در این زمینه گردآوری کرده است. شماره ویژه برچم این فصلنامه که اولین منبع پژوهشی چند مولفی پیرامون برچم ایران محسوب می‌شود، ابعاد تاریخی، حماسی، فرهنگی، ادبی، هنری، اجتماعی، نشانه‌شناسی و پژوهشی برچم ایران بررسی شده است. این شماره با گفتار و آثاری از دکتر نصرت‌الله بخشنورتاش، مهرداد سپیدبدالدین احمدی، دکتر فاروق صفی‌زاده، کاپیتان شاهرخ خدایاری، مهناز عبدال‌خان‌گرچی و دیگر پژوهشگران منتشر شده‌است. پژوهش هنر در این شماره توانسته‌است خلأهای ناشی از کمبود منابع معتبر در زمینه برچم ایران و ابعاد متنوع و متعدد آن را پر کند. برچم ملی ایران از مناظر متعدد تاریخی، فرهنگی-هنری، ادبی، حماسی، سیاسی-اجتماعی، حقوقی-عرفی، آیینی و نشانه‌ای از سوزی پژوهشگران دانشگاهیان مورد مطالعه قرار گرفته و دستاوردهای آن به‌عنوان مرجعی علمی با موضوع ملی برچم در اختیار علاقه‌مندان است.

خدا نام

فرهیختگان: هشتمین جشنواره پروین اعتصامی با دبیری مازیار رضاخانی از ۲۸ مهر تا دوم آبان در تهران برگزار می‌شود. تعداد آثار رسیده برای رقابت در این جشنواره ۱۷۷۵ فیلم در بخش‌های داستانی، پویانمایی، تجربی و مستند هستند. آثار رسیده توسط هیات انتخاب به ریاست محمدرضا اصلانی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. مجید بزرگر، بهرام عظیم‌پور، پرویسو نظریه و منوچهر مشیری اعضای هیات انتخاب این جشنواره هستند.

فره‌یختگان

چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۳ | شماره ۱۴۵۹

گفت‌وگو با بهرام باجلان خواننده، موسیقیدان و آهنگساز

در ملتقای کلمات و نجوای صبح

نوعی مختصات دادن به مفهوم زیبا و ارزشمند استاد است. ببینید عنوان استاد دارای دو مفهوم و معناست، یکی آنکه به یکی از بالاترین درجه‌های علمی در حوزه دانشگاه‌ها یا مراکز تحقیقاتی استاد می‌گویم که حد و اندازه آن مشخص است و قابل تشخیص از استادیار، معلم و مربی است و دیگر استادی که گفتم برجستگان جامعه تعین می‌کنند. ما هر کدام در ذهن‌مان ویژگی‌هایی برای استاد از قبل ترسیم می‌کنیم که مثلا در یک رشته از تخصص بالایی برخوردار باشد و دارای سبک باشد و شاگردانی تربیت کرده باشد و سن و سالی بالای میان‌سال‌ی داشته باشد و بر جامعه خود نیز تاثیر بگذارد و از این قبیل... ولی می‌بینیم که الزاما اینگونه نیست، هستند کسانی که این ویژگی‌ها را دارند، ولی بزرگان جامعه وی را استاد نمی‌دانند. برای مثال در دوران استاد بنان، خوانندگان دیگری نیز بوده‌اند که خیلی از ویژگی‌هایی که گفته‌ام را داشته اما فقط استاد بنان، چنین عنوانی داشت.

■ **در این روزگار می‌بینیم کسانی بالقب استادی حضوری یا مجازی تدریس می‌کنند. به نظر شما مدرسی که می‌خواهد درس بدهد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

این سوال شما را باید در دو بخش جواب بدهم، چرا که در اصل دو سوال مجراست. به‌نظرم اشکالی به اینکه کسانی با عنوان استادی تدریس می‌کنند، چه حقیقی، چه مجازی وجود ندارد. آنها استاد و شاگردان خوش هستند، استاندار قرار دادم، چراکه هیچ معنی را نمی‌پذیرم، مگر اینکه در یک شرایط ویژه استادی باشد که صلاحیت تدریس نداشته باشد. به نظر من باید این آزادی وجود داشته باشد که بتوانند درس بدهند و درس بگیرند. البته اگر مراکز فرهنگی معتبری وجود داشته باشد که از استادان سطح بالا استفاده کند، طبیعتا هنرجویان این مراکز را انتخاب می‌کنند و اینکه گفتید دنیای مجازی به‌نظرم هیچ اشکالی استفاده از امکانات وجود ندارد. رودرو نشستن و فراگیری از استاد بسیار خوب است، ولی با مشکلات امروزه این امکانات کار را راحت‌تر می‌کند. مثلا من در یک ساعت واحد با چند هنرجو که هر کدام در نقطه‌ای از جهان هستند از طریق همین دنیای مجازی کار می‌کنم و نتیجه بدی هم ندارد.

■ **همان‌طور که می‌دانید در کشورهای پیشرفته دنیا هر قضیه یا فرضیه علمی یک ثابت می‌شود در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، ولی در کشور ما اینگونه نیست. من شنیده‌ام بعضی استادان قدیم اصطلاحا خساست**

محمدرحمن‌ملانی **بهرام باجلان،**

استاد ۵۵ ساله
دانشگاه استکھلم
باشاهنامه خوانی نزد پدر و ادبی‌اش کار
موسیقی را آغاز کرد و با محضر استادان بنام و بزرگی همچون اصغر بهاری،
استاد نصرالله ناصح‌پور، زنده‌یاد
عبدالوهاب شهیدی و زنده‌یاد حسین
عمومی بهره برد. آوازهایش با سه‌تار
نوازی خودش همراه است و امروزه یکی
از استادان خوب موسیقی ایرانی محسوب می‌شود. کلاس‌های او در
فرهنگستان هنر محل رفت و آمد
علاقه‌مندان به آموزش موسیقی در
صداسازی است. او باورهای خاص
خودش را در آموزش صداسازی دارد و
این امر با آموخته‌های او در دانشگاه‌های
مهم خارج از کشور در حوزه موسیقی
خط و ربط دارد. شنیده می‌شود قرار
است مسترکلاس‌های این استاد
موسیقی در چند فرهنگسرای تهران
برگزار شود و اگر این اتفاق بیفتد آغاز
خط و رسمی جدید سازمان فرهنگی
هنری شهرداری تهران در ارتباط با
آموزش موسیقی در فرهنگسرا هست.
باجلان البته در روزهای آینده به
استکھلم بازمی‌گردد تا در مدرسه
فرهنگ آنجا آموزش را ادامه بدهد.
آخرین آلبوم او «سرو و ماه» با عطا
جنگوک است و اجرای صحنه‌اش
به تابستان پارسال در استکھلم
برمی‌گردد. با توجه به ماهیت
دانشگاهی روزنامه فرهیختگان با این
استاد پروازمه موسیقی ایرانی در
دانشگاه‌های خارجی درباره موضوع
آموزش موسیقی و آواز لری به گفت‌وگو
نشسته‌ایم.

□ □ □ □

■ **به نظر شما لقب استاد به چه کسی اطلاق می‌شود؟**

به نظر من میزان و معیار نیست که کسی را استاد بدانیم یا ندانیم، البته من مثل هر کسی، کسانی را که از ایشان مطلبی آموختم‌ام استاد خطاب می‌کنم، اما این کافی نیست. چراکه عنوان استاد را برجستگان جامعه در توافقی نانوشته و ناگفته به کسی اطلاق می‌کنند که این عنوان را جامعه با گذر زمان می‌پذیرد. می‌توان حدس زد که سوال شما برمی‌گردد به استفاده گسترده و شاید نامناسب از کلمه استاد در ادبیات امروز ما که مخاطب را گیج و گنگ کرده است. البته این استادان، استادان یادماندنی نخواهند بود، چراکه به میل من و شما یا یک رسانه نیست که کسی را استاد بداند و استاد هم بماند. در حقیقت تعریف شما

گزارش

گروه ادب و هنر: اسکار تلویزیون هم برگزار شد و برگزیدگانش را شناخت. سریال‌هایی که مخاطب‌ها را پای خودشان میخکوب می‌کنند و اگر شروع به تماشایشان کنید دیگر دست‌بردار نیستید و دل‌تان می‌خواهد بداندید که قسمت بعد چه خواهد شد. این همه تلیق و جذایت در جایزه «امی» دیده می‌شود. در مراسم شصت‌وششمین دوره اهدای جوایز امی در بخش موسوم به «امی ساعات پر بیننده» (Primetime Emmy Awards) که سحرگاه سه‌شنبه به وقت تهران در نوکیا تئاتر لس‌آنجلس برگزار شد، سریال تلویزیونی «شر به‌پا کردن» (Breaking Bad) از محصولات AMC با پنج جایزه در بخش درام، از جمله بهترین سریال درام، بیشترین تعداد جوایز را به خود اختصاص داد. این مجموعه تلویزیونی در دوره قبلی جوایز امی نیز بهترین سریال درام بود. سریال «خانواده مدرن» (نسخه خارجی شده سریال «هفت‌سنگ» وطنی!) شبکه ABC در بخش کمدی برای پنجمین سال پیاپی بهترین سریال کمدی شناخته شد و این کوردا را به نام خود ثبت کرد. این سریال در این‌شاخه بهترین‌های انجمن بیگ‌بنگ، «لونی»، «نارنجی مد روزه»، «سیلیکون ولی» و «ویپ» رقابت می‌کرد. «خانواده مدرن» در دو بخش بهترین کارگردانی

«فرجام سفر طولانی طوبا» علی‌رضانرداری در تئاتر شهر

فرهیختگان: باید خبر خوشی باشد که یک بار دیگر نمایشنامه‌ای از علی‌رضانرداری در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود و مهم‌تر اینکه این نمایشنامه را کارگردانی از نسل جدید تئاتر و بانگاه و ایده‌های خاص خودش اجرا می‌کند. محسن حسن‌زاده با کارگردانی نمایش «فرجام سفر طولانی طوبا» به‌عنوان یکی از موفق‌ترین آثار اجرا شده در سی و دومین جشنواره تئاتر فجر شناخته شد و حالا قرار است این نمایش از ۹ شهریورماه در تالار چهارسو مجموعه تئاتر به مدت یک‌ماه روی صحنه برود.

«فرجام سفر طولانی طوبا» کاری از گروه تئاتر اید در سی و دومین جشنواره بین‌المللی فجر موفق به دریافت دیپلم افتخار و تندیس کارگردانی، دیپلم



علی‌رضانرداری

این نمایشنامه ویژگی‌های خاصی دارد از جمله آنگاه یک لهجه و آوای بومی که مربوط به روستاهای اطراف قم است و آن را با بچه‌های حرفه‌ای تئاتر قم کار کردم.»

استادی دارند، نظر شما در این رابطه چیست؟

همین‌طور است. من در سال‌های اخیر در دانشگاه موسیقی سوئد تدریس می‌کردم، در این مدت به کمک یک استاد آواز سوئدی مطالبی را در مورد دستگاه‌های موسیقی ایرانی تهیه کردم و آن نوشته‌ها را در دسترس همه دانشجویان و استادان قرار دادم، چراکه دسترسی آسان به این قبیل نوشته‌ها در پیشرفت کار بسیار مؤثر است. بهتر بگویم دانسته‌های من جایگاه و پایگاه مرا در دانشگاه محکم‌تر می‌کند و نقشی در زندگی‌ام ندارد، ولی برخی از استادان قدیم اعتقاد داشتند که این مطالب باید به اهلی سپرده شود که قدر آن را بدانند. از طرفی آنان برای گذران زندگی وابسته به دانش خود بودند.

■ **دو شیوه در دنیا رایج است؛ آکادمیک و علمی و دیگری شیوه شفاهی و سینه به سینه، نظرتان را جمع به این دو شیوه چیست؟**

به نظر من هر دو شیوه علمی است، دو شیوه در کنار هم بهترین نتیجه را خواهند داد، چراکه هر کدام به تنهایی نقاط ضعف و قوت خود را دارند و با یادگیری شیوه آکادمیک هنرجو می‌تواند اطلاعات و مطالب را بهتر دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کند و از خیلی‌بهدی فراگیری آسان‌تر و مؤثر است. با شیوه سینه به سینه هم افق خیاالش گسترده می‌شود و روح

کار را بهتر می‌آموزد، در نتیجه این دو در کنار هم بهترین نتیجه را خواهند داد، چراکه هر کدام به تنهایی نقاط ضعف و قوت خود را دارند و با یادگیری شیوه آکادمیک هنرجو می‌تواند اطلاعات و مطالب را بهتر دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کند و از خیلی‌بهدی فراگیری آسان‌تر و مؤثر است. با شیوه سینه به سینه هم افق خیاالش گسترده می‌شود و روح

کار را بهتر می‌آموزد، در نتیجه این دو در

رکوردشکنی «خانواده مدرن» در اسکار تلویزیونی

پنج جایزه‌امی برای «بریکینگ بد»

چهارمین جایزه امی است که ایفای نقش والتر وایت، یک معلم شیمی که تبدیل به بزرگ‌ترین دلقک‌کننده در سریال «شرلوک» (آخرین عهد» شیشه) آمریکا می‌شود برای کرنستن به ارمان آورده است. سریال کوتاه فارگو (Fargo) موفق شد سریال‌های «داستان وحشتناک آمریکایی»، «بانی و کلاید»، «لوتر»، «ملکه سفید» و «ترم» را پشت سر بگذارد و جایزه امی بهترین سریال کوتاه را دریافت کند. جایزه امی بهترین کارگردانی سریال‌های کوتاه را هم از آن خود کرد. فیلم «قلب معمولی» (The Normal Heart) به‌عنوان بهترین فیلم تلویزیونی و برنامه «گزارش کالبرت» (The Colbert Report) به‌عنوان بهترین برنامه واریته شناخته شد. امسال در بخش یادبود این مراسم یاد و خاطره بازیگر تازه‌درگذشته تاریخ سینما و تلویزیون، رابین ویلیامز، زنده شد.

بلی کرستال مجری، بازیگر خوششناس، دوست و همکار رابین ویلیامز چند دقیقه‌ای برای حاضران تالار نوکیا از سخن گفت. ویلیامز با بار به‌خاطر برنامه‌های مختلف تلویزیونی نامزد امی شد و

فرهیختگان: نگار جواهریان از آن چهره‌های سینمایی است که از اتفاق کارنامه تئاتری پرباری دارد و در روزه ستاره‌هایی محسوب نمی‌شود که این روزها برای نجات گیشه به‌روی صحنه می‌آیند و عرصه را بر تئاتری‌های واقعی تنگ کرده‌اند. بازی در نمایش «تهرن»، محمود استاد محمد، «ایوانف» و «دیوار چهارم» هر دو به کارگردانی امیررضا کوهستانی، «بر تواری بر آثار گروه تئاتر دن کیسوت» و «ملائصرالدین» به کارگردانی علی‌اصغر دشتی، «گل‌های» شمع‌دانی، کار محمد یعقوبی و چند نمایش دیگر از جمله کارهای به یادماندنی و خوب‌اوست. حالا او قرار است در نمایش جدید ابراهیم پشت‌کوهی «وقتی ما برگردیم، دو پای آویزان مانده



بهرام باجلان

استادی دارند، نظر شما در این رابطه چیست؟

همین‌طور است. من در سال‌های اخیر در دانشگاه موسیقی سوئد تدریس می‌کردم، در این مدت به کمک یک استاد آواز سوئدی مطالبی را در مورد دستگاه‌های موسیقی ایرانی تهیه کردم و آن نوشته‌ها را در دسترس همه دانشجویان و استادان قرار دادم، چراکه دسترسی آسان به این قبیل نوشته‌ها در پیشرفت کار بسیار مؤثر است. بهتر بگویم دانسته‌های من جایگاه و پایگاه مرا در دانشگاه محکم‌تر می‌کند و نقشی در زندگی‌ام ندارد، ولی برخی از استادان قدیم اعتقاد داشتند که این مطالب باید به اهلی سپرده شود که قدر آن را بدانند. از طرفی آنان برای گذران زندگی وابسته به دانش خود بودند.

■ **دو شیوه در دنیا رایج است؛ آکادمیک و علمی و دیگری شیوه شفاهی و سینه به سینه، نظرتان را جمع به این دو شیوه چیست؟**

به نظر من هر دو شیوه علمی است، دو شیوه در کنار هم بهترین نتیجه را خواهند داد، چراکه هر کدام به تنهایی نقاط ضعف و قوت خود را دارند و با یادگیری شیوه آکادمیک هنرجو می‌تواند اطلاعات و مطالب را بهتر دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کند و از خیلی‌بهدی فراگیری آسان‌تر و مؤثر است. با شیوه سینه به سینه هم افق خیاالش گسترده می‌شود و روح

کار را بهتر می‌آموزد، در نتیجه این دو در کنار هم بهترین نتیجه را خواهند داد، چراکه هر کدام به تنهایی نقاط ضعف و قوت خود را دارند و با یادگیری شیوه آکادمیک هنرجو می‌تواند اطلاعات و مطالب را بهتر دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کند و از خیلی‌بهدی فراگیری آسان‌تر و مؤثر است. با شیوه سینه به سینه هم افق خیاالش گسترده می‌شود و روح

کار را بهتر می‌آموزد، در نتیجه این دو در

ادب و هنر

چهره

اکبر زنجانی‌پور باز یگر «مرگ فروشنده» شد



اکبر زنجانی‌پور

فرهیختگان: خبرها حکایت از آن دارد مجموعه تئاتر شهر دوباره رونق گذشته‌اش را به‌دست خواهد آورد. یکی از این‌خبرها هم مربوط به اجرای نادر برهانی‌مزند از «مرگ‌فروشنده» آرتور میلر در سالن اصلی این مجموعه است. حضور اکبر زنجانی‌پور به‌عنوان بازیگر هم یکی از اتفاق‌های خوب این نمایش است. زنجانی‌پور سال‌ها پیش همین اثر میلرا را کارگردانی کرد. او به ایسکانیوز می‌گوید: «با اینکه از لحاظ کارگردانی نگاه‌به این نمایش متفاوت است بازی در نمایش «آرتور میلر» به کارگردانی نادر برهانی‌مزند توفیقی است که نصیب شده است و برایم با ارزش است؛ چراکه در این اثر نمایشی با‌نگاه و تحلیل جدیدی از متن مواجه‌شده‌ام که برایم جذاب است.»

یک بار دیگر پیروزفر

در ایران‌شهر



فرهیختگان: اختصاص سالن‌های تئاتر به چهره‌های سینمایی به یک عادت در سال‌های اخیر تبدیل شده و این مساله در مجموعه ایران‌شهر از همه بیشتر مشهود است و در این میان گلایه‌های هنرمندان تئاتر را نیز در پی دارد که باید سال‌ها در انتظار سالن تئاتر باقی‌بمانند تا سرآخر ورود چند چهره سینمایی نوبت‌شان را جلو بیاورد. یکی از اجراهای جدید ایران‌شهر قرار است اختصاص یابد به پارسا پیروزفر که در سال ۱۳۸۰ نمایش «هنر» را روی صحنه برد و استقبال از آن باعث شد مدیران ایران‌شهر بار دیگر سالتی از این مجموعه را در اختیار او قرار بدهند. او نمایشنامه «برپهنه دریا» نوشته اسلاو میر مروژک، نویسنده لهستانی را برای اجرا ترجمه کرده و قرار است از پنج‌شهر پور بابازی خودش، سیاوش چراغی‌پور، هوتن شکیبا، هوشنگ قوادرلو و علی ابدالی در سالن استاد ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایران‌شهر به اجرا رود.

اولین صدایی که در خاطرم نقش بست صدای استاد هیبت افتاده بود که یادش گرامی و روشن شاد. هیبت افتاده مردی فروتن و بزرگ بود. بی‌ادعا و سخت‌کوش. جاتانه کمانچه و دهل می‌زد و آواز بسیار خوبی هم می‌خواند و حافظه بسیار قوی‌ای داشت. می‌توانم بگویم گسترده‌گی ملودی‌هایی که به خاطر داشت فراتر از لیستان بود و از سایر مناطق ایران نیز ترانه‌هایی می‌خواند ولی من شاهنامه‌خوانی را از پدرم و آواز را از دایم، باقرخان باجلان وقتی کوچک بودم شنیدم.

اولین صدایی که در خاطرم نقش بست صدای استاد هیبت افتاده بود که یادش گرامی و روشن شاد. هیبت افتاده مردی فروتن و بزرگ بود. بی‌ادعا و سخت‌کوش. جاتانه کمانچه و دهل می‌زد و آواز بسیار خوبی هم می‌خواند و حافظه بسیار قوی‌ای داشت. می‌توانم بگویم گسترده‌گی ملودی‌هایی که به خاطر داشت فراتر از لیستان بود و از سایر مناطق ایران نیز ترانه‌هایی می‌خواند ولی من شاهنامه‌خوانی را از پدرم و آواز را از دایم، باقرخان باجلان وقتی کوچک بودم شنیدم.



فرهیختگان: سیدمهدی شجاعی یکی از رزیترا‌ترین داستان‌نویسان ایرانی است که کتاب‌هایش به چاپ‌های متعددی رسد. این نویسنده از داستان‌خوانی‌اش در برج میلاد برای مخاطب به‌عنوان یک تجربه ناب و از دعوت سابقین و دیدگاه‌های مختلف در شب‌های داستان برج میلاد و تا دوم آن به‌عنوان یک موفقیت برای داستان ایرانی یاد می‌کند. او در شب دوم از دوره چهارم شب‌های داستان برج میلاد می‌گوید: «این تجربه را مثبت ارزیابی می‌کنم و دوست داشتم؛ چون ارتباط با مخاطب همیشه یکی از دغدغه‌های من بوده و برایم مغنم است؛ آن‌هم مخاطبی که برای شنیدن داستان آمده و داستان را می‌فهمد بنابراین چنین محفلی برای نویسنده ارزش دارد. به‌همین دلیل خواندن داستان را در حضور مردم تجربه‌ای ناب می‌دانم.»

خبرچین

فیلمبرداری پنجمین قسمت از سری فیلم‌های پرفروش «ماهوریت غیرممکن» به کارگردانی کریستوفر مک کوایر و «با بازی «تام کروز» و «سایمون پک»، جرمی رمز» و «وینگ رامس» در کنار بازیگران جدید «الک بالدوین» و «ریکا فرگوسن» دوباره ادامه نقش‌هایشان در قسمت قبل این مجموعه فیلم را دنبال خواهند کرد. «ماهوریت غیرممکن ۵» برای آران در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۵ آماده می‌شود.



فرهیختگان: نگار جواهریان